

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاه و دوم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۵۵-۸۵
(مقاله علمی - پژوهشی)

نمود ایدئولوژی تشیع در گفتمان مترجمان دوره صفوی: موردپژوهی مقدمه ده نسخه خطی

پروانه معاذالهی^۱

چکیده

عصر صفویه (۹۰۷-۱۱۴۲ ق) در تاریخ فرهنگی ایران از جنبه‌های بسیار اهمیت دارد، از جمله به لحاظ رسمیت یافتن تشیع و حمایت دربار از تولیدات فرهنگی شیعی که به بازتعریف هویت ملی انجامید. هدف پژوهش حاضر مطالعه رابطه بین ترجمه و ایدئولوژی تشیع است و با تمرکز بر نظریه فن‌دایک (۱۹۹۸) و تعریفی نئومارکسیستی از ایدئولوژی، مؤلفه‌های اجتماعی، ادراکی و گفتمانی مرتبط با تشیع و ترجمه را بررسی می‌کند. در این ارتباط، ابتدا، با روش توصیفی تحلیلی، وضعیت اجتماعی سیاسی حاکم بر عصر صفوی و کنش مترجمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سپس با تمرکز بر مقدمه ده نسخه خطی از ترجمه‌های عصر شاه اسماعیل (۹۰۵-۹۳۰ ق)، شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۱۱۲۵ ق)، تأثیر ایدئولوژی در گفتمان مترجمان بررسی می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که مترجمان مورد بررسی با جانب‌داری از ایدئولوژی تشیع در بازتولید گفتمان شیعی سهم بوده‌اند و تصریح امامت حضرت علی (ع) و ضرورت تبعیت از ائمه، کاربرد کلماتی با بار معنایی مثبت در وصف خاندان پیامبر اکرم (ص) و کلماتی با بار معنایی منفی در توصیف مخالفان آنها و مشروعیت‌بخشی به پادشاهان صفوی و مشروعیت‌دهی به تشیع اثنی‌عشری با استناد به آیات قرآنی، نمود گفتمانی این جانب‌داری است.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی، صفویه، تشیع، زواره‌ای، خاتون‌آبادی، خوانساری، ترجمه

۱. استادیار گروه مطالعات ترجمه، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان maazallahie@vru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۰ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۸

مقدمه

در برهه‌های مختلف تاریخی، مترجمان بنا بر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، به روش‌های مختلف نقش‌آفرینی کرده‌اند و انتخاب‌های آنان مؤید تبعیت یا تقابل آنها با هنجارهای حاکم بوده است. با تمرکز بر رابطه مترجمان با نهادهای قدرت در مقاطع تاریخی مختلف، این نقش‌آفرینی را بهتر می‌توان بررسی کرد. منابع گوناگون تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران گواهی بر سهم مترجمان در تحقق تحولات سیاسی و اجتماعی است. مثلاً، در زمان خلفای اموی با محدود شدن شرایط برای مسلمانان غیرعرب، در ساختار سیاسی کشور زبان عربی جایگزین زبان فارسی شد (محمدی‌ملایری، ۱۳۷۹: ۹۳) و دستگاه اموی برای محوکردن هویت ملی ایرانیان درصدد سوءاستفاده از اسلام برآمد، اما ایرانیان در قالب نهضت فرهنگی شعوبیه در برابر پان‌عرب‌یسم قدامت کردند و ایران را از آفتی نجات دادند که دامنگیر تمامی ملل مغلوب در برابر اعراب شده بود (نات^۱ و گلدزیهر^۲، ۱۳۷۱: ۶۷-۶۲). در این وضعیت، ترجمه وسیله تقویت و تأیید عاطفه قومی و تحریک شعوبیان بر ضد عرب شد و ترجمه کتب فارسی به عربی، برای نشان‌دادن مرتبه ایرانیان در ادب، تاریخ، حکمت، علم و افتخارات سیاسی شاهان ایرانی به کار رفت (صدیقی، ۱۳۷۲: ۹۶-۹۲). این کنش ترجمانی در تقابل با سیاست‌های نهاد قدرت، به ترجمه صبغه مقاومتی بخشید، اما در موارد بسیاری هم، مترجمان همسو با سیاست‌های حاکم عمل کردند که نمونه آن در سیاست‌های سلطان محمد خدابنده (۷۱۶-۷۰۳ ق) و سلاطین صفوی در قبال تشیع دیده می‌شود. در دوره این سلاطین، از ترجمه آثار شیعی به صورت سیاستی حکومتی حمایت می‌شد؛ با این تفاوت که سلطان محمد خدابنده برای اطمینان خاطر از پذیرش تشیع و خاتمه‌دادن به نزاع میان علمای سنی و شیعه دربار، این سیاست را اتخاذ کرد (سعیدی و معاذالهی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۴۴)؛ در حالی که «صفویان بر مبنای یک ایدئولوژی سیاسی خاص و برای تمایز یافتن از رقیب دیرینه خود یعنی عثمانی‌ها» از تشیع و مترجمان آثار شیعی حمایت کردند (سیوری^۳، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۸). میراث سلطان

-
1. Nath
 2. Goldziher
 3. Savory

محمدخدابنده به اواخر دوره ایلخانان محدود ماند و با انقراض این سلسله تضعیف شد، اما سیاست صفویان بر هویت ملی ایرانیان تأثیری پابرجا گذاشت. نظر به اهمیت این تأثیر، پژوهش حاضر قصد دارد تا ایدئولوژی عصر صفوی را از منظر فن‌دایک^۱ (۱۹۹۸) بررسی کند و به رابطه ترجمه با آن بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: الف) ایدئولوژی سیاسی صفویان چه تأثیری بر کنش مترجمان داشت؟ ب) نمود متنی این ایدئولوژی در مقدمه مترجمان مورد بررسی چه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا، بستر تاریخی اجتماعی عصر صفویه بررسی می‌شود. سپس، تأثیر این بستر بر ترجمه به‌طور کلی مطرح می‌شود و نهایتاً، با تمرکز بر مقدمه ده نسخه خطی از ترجمه‌های این عصر تأثیر یا عدم تأثیر ایدئولوژی تشیع بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش و چهارچوب نظری

نخستین بار در اواخر قرن هجدهم میلادی، واژه ideology به صورت کلمه‌ای قرضی از زبان فرانسه به انگلیسی وارد و بارها بازتعریف شد، اما این واژه در اصل به معنی فلسفه ذهن یا علم نظریات بود (شافنر^۲ در کالزادا پرز^۳، ۲۰۱۴: ۲۳).

با بازتعریف ماهیت ترجمه در دو دهه آخر قرن بیستم، تأثیر ایدئولوژی بر کنش مترجمان هم مطرح شد. لوفوور^۴ (۱۹۹۲) ترجمه را نوعی بازنویسی تعریف کرد که یکی از ارکان آن حمایت مؤسسات و افراد صاحب‌نفوذ است که ایدئولوژی و اقتصاد حاکم بر ترجمه را تشکیل می‌دهد. این تئوری بازتاب وسیعی در مطالعات ترجمه داشت، اما ظاهراً، بنا بر اقتضائات زمانه خود، رابطه بین نهادهای قدرت و مترجم را رابطه‌ای یک‌سویه دید و برای مترجمان فقط نقش مقاومتی یا کنشگر در نظر نگرفت. همین دیدگاه در آراء ونوتی^۵ (۱۹۹۲) هم کم‌وبیش دیده می‌شود. ونوتی (۱۹۹۲: ۵-۱) با رویکردی انتقادی به بومی‌سازی ترجمه در سنت ترجمه غرب پرداخت و تلاش مترجمان برای بازنویسی متن مبدأ و محوکردن تفاوت‌های زبانی و فرهنگی را ایدئولوژیک دانست، چراکه این کار طبق ارزش‌ها و معیارهای عقیدتی و اجتماعی

1. Van Dijk
2. Schäffner
3. Calzada Pérez
4. Lefevere
5. Venuti

جامعه مقصد صورت می‌گیرد.

ظاهراً، لفور (۱۹۹۲) و ونوتی (۱۹۹۲) به تعریفی مارکسیستی از ایدئولوژی توجه داشتند که طبق آن «ایدئولوژی دیدگاهی تحریف‌شده نسبت به جهان است که همواره از جانب نهادها یا طبقات اجتماعی حاکم، بر طبقات فرودست اعمال‌شده و طبقات فرودست هم آن را به صورت سرنوشت یا جایگاه اجتماعی خود درونی می‌کنند» (فن‌دایک، ۱۹۹۸: ۲). اما برخی موضعی خنثی به مسئله ایدئولوژی دارند و معتقدند که ایدئولوژی نظامی از اعتقادات مشترک است که به منافع جمعی گروهی اجتماعی پیوند می‌خورد (بوم‌گارتن^۱، ۲۰۱۲: ۵۹). از این منظر، آراء افرادی مانند کالزادا پرز (۲۰۱۴: ۲) که ترجمه را ماهیتاً فعالیتی ایدئولوژیک می‌دانند، از موضعی خنثی نسبت به ایدئولوژی در ترجمه نشأت می‌گیرند که طبق آن هر نوع کاربرد زبانی ماهیتاً معنی ایدئولوژیک دارد.

فن‌دایک (۱۹۹۸: ۴-۵) ایدئولوژی را نظامی ادراکی اجتماعی تعریف می‌کند و از این لحاظ، متمایز است از نظریه‌هایی که «ایدئولوژی را برساخته مناسبات قدرت دانسته و تولیدات فرهنگی را نمادهایی در حمایت از صاحبان قدرت و برای نشر ایدئولوژی خاص در نظر می‌گیرند» (نک: تامپسون^۲، ۱۹۹۰: ۸۳). علاوه بر این، از نظر فن‌دایک (۱۹۹۸: ۵)، ایدئولوژی از مؤلفه‌هایی خاص و با نظم درونی متشکل است و با دیگر تظاهرات اجتماعی از جمله ارزش‌ها، ساختارها، منافع و گروه‌های اجتماعی پیوند خورده و می‌تواند سازمان‌دهی اداری و رسمی داشته یا با قدرت‌های حاکم در ارتباط باشد. این ایدئولوژی در کنش‌های اجتماعی یا گفتمان‌ها نمود می‌یابد و بازتولید می‌شود. در نتیجه، نظریه فن‌دایک (۱۹۹۸) بین مؤلفه‌های ادراکی، اجتماعی و گفتمانی ارتباط برقرار می‌کند. به این صورت که در وهله نخست، هر ایدئولوژی نوعی نظام اندیشگانی^۳ است و به حوزه نمادین افکار و اعتقاداتی تعلق دارد که روانشناسان آن را «ادراک» می‌نامند. در وهله دوم، ایدئولوژی اجتماعی بوده و غالباً با منافع، تنازعات یا کشمکش‌های گروهی مرتبط است. می‌توان ایدئولوژی را برای رسمیت‌بخشیدن به

-
1. Van Doorslaer
 2. Thompson
 3. System of ideas

قدرت حاکم یا در مخالفت با آن به کار برد و حتی می توان به واسطه آن به تناقضات اجتماعی دامن زد. در وهله سوم، در رویکردهای نوین، ایدئولوژی به گفتمان یا کاربرد زبانی هم پیوند خورده است، زیرا ایدئولوژی غالباً از مجرای زبان و گفتمان در جامعه بیان و بازتولید می شود (فن دایک، ۱۹۹۸: ۶) و تحلیل گفتمان برای مطالعه ایدئولوژی اهمیت دارد. چراکه بیان، تولید یا بازتولید ایدئولوژی در تعاملات اجتماعی به طور خاص از طریق گفتمان صورت می گیرد و برای درک اجتماعی ایدئولوژی باید به نحوه دریافت، ساخت، استفاده و تغییر ایدئولوژی ها توسط گروه های اجتماعی دقت کرد و این کار میسر نیست مگر با توجه به بافت کلان و خرد ایدئولوژی.

بافت کلان یا کلان بافت^۱ همان حوزه اجتماعی یعنی، گروه ها، نهادها و منافع مرتبط با آنهاست و بافت خرد همان سطحی است که در آن عاملان اجتماعی در موقعیت های اجتماعی به تولید یا بازتولید ایدئولوژی می پردازند. گفتمان در این سطح نقش محوری یافته و در قالب ساختارهای دستوری و معنایی متن نمود می یابد. پژوهش حاضر به طور خاص بر سطح معنایی گفتمان تمرکز دارد، زیرا از نظر فن دایک (۱۹۹۸: ۲۰۴)، «شرکت کنندگان در گفتمان به ساختارهای ظاهری معنا می دهند و در قالب این ساختارها معنا را بیان می کنند و از این جهت بررسی معنایی در تحلیل ایدئولوژیک گفتمان اهمیت اساسی دارد». برای تحلیل تأثیر ایدئولوژی بر گفتمان در سطح معنا به این جنبه ها بایستی پرداخت: (۱) بار معنایی مثبت یا منفی کلمات به عنوان ابزاری برای رمزگذاری افکار و عقاید؛ (۲) تصریح یا تلویح اطلاعات برای اشاره به خصوصیات مثبت و منفی افرادی که به ایدئولوژی مدنظر اعتقاد دارند یا ندارند؛ (۳) تعبیر نویسنده یا گوینده از عبارت ها یا اظهارنظرهای خاص؛ (۴) ساختار شماتیک متن شامل مقدمه، مؤخره، فرضیه ها و غیره که نشان دهنده اولویت و اهمیت اطلاعاتی خاص است و به نحوه تعبیر نویسنده از وقایع مربوط می شود و بار ایدئولوژیک دارد.

نظر به تعاریف و مؤلفه های بالا، پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی بافت اجتماعی سیاسی ای که مذهب تشیع را به عنوان ایدئولوژی غالب در عصر صفوی مطرح کرد، و تأثیر این کلان بافت بر کنش مترجمان بپردازد و نمود گفتمانی این تأثیر را در

1. Macro-context

مقدمه ده نسخه خطی از ترجمه‌های زواره‌ای (ز. ۹۶۰ ق)، محمدباقر خاتون‌آبادی (۱۰۷۰-۱۱۲۷ ق) و آقا جمال خوانساری (م. ۱۱۲۵ ق) برسد تا سوگیری این مترجمان نسبت به ایدئولوژی تشیع به بحث گذاشته شود. در انتخاب این مترجمان چند نکته مدنظر بوده است: ۱. زواره‌ای مترجم پرکاری در عصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بوده است؛ ۲. خاتون‌آبادی و خوانساری در مقام عالمانی مطرح در دوره شاه سلطان حسین آثاری به دربار عرضه کردند و ۳. ترجمه‌های زواره‌ای با اوج قدرت و تلاش صفویان برای ترویج تشیع مقارن بود، درحالی‌که خاتون‌آبادی و خوانساری در روزگار رو به افول صفویان فعالیت داشتند. همسو با نظریه فن‌دایک، ابتدا، شکل‌گیری کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی و تأثیر آن در فضای فرهنگی کشور بررسی می‌شود.

دین‌سالاری صفویان و کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی

با روی کار آمدن صفویان تغییرات شگرفی در ساحت سیاسی اجتماعی کشور رقم خورد که استقرار حکومتی مرکزی، خاتمه‌یافتن تجزیه سیاسی کشور، پیشرفت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و رسمیت‌یافتن تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور از جمله آنها بود (رومر^۱، ۱۹۸۶: ۱۸۹). در این بستر، دین‌سالاری در ساختار قدرت اهمیت یافت و جایگاه تشیع در میان ایرانیان دگرگون شد. تشیع سابقاً در حکومت‌هایی مانند علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ ق)، آل بویه (۳۲۰-۴۵۷ ق) و در دربار سلطان محمدخداوند هم جایگاه ویژه‌ای داشت. به این صورت که علویان به عنوان اولین حکومت شیعی در ایران، فعالیت‌های فرهنگی بسیاری برای ترویج تشیع در طبرستان کردند و موفق شدند در شمال ایران وحدت سیاسی ایجاد کنند (نک: نوروزی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۴-۸۰)، اما نتوانستند در سطح ملی به این مذهب رسمیت بخشند و، یا به صورت ابزاری ایدئولوژیک و هویت‌ساز از آن استفاده کنند. حکومت آل‌بویه هم به‌رغم ایجاد فضایی آزاد برای نشر عقاید شیعی و حمایت از علمای شیعه، نتوانست به اندازه صفویان در ترویج آراء شیعی موفق شود (نک: میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۱ و

1. Roemer

ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۱۵۲). اما صفویان با تکیه بر یک ساختار سیاسی مقتدر، تبعیت از آموزه‌های شیعی را برای توده مردم الزامی کردند و «از این مذهب برای ایجاد ثبات و همگونی فکری در کشور بهره برد و بطور خاص بر تشیع دوازده امامی که چارچوب حقوقی و احکام مشخص و دقیقی برای این مقاصد داشت متمرکز شدند» (ترنر^۱، ۲۰۰۰: ۷۳). به این ترتیب، شاه اسماعیل توانست توان یک ایدئولوژی مذهبی پویا را به خدمت حکومت جدید درآورد و تمایز آشکاری با امپراطوری عثمانی - که قدرت عمده جهان اسلام در قرن دهم ق بود - ایجاد کند و به دستگاه صفوی هویت ارضی و سیاسی ببخشد که در نهایت به آگاهی بیشتر از هویت ملی و ایجاد دولتی متمرکزتر و قوی‌تر انجامید (سیوری، ۱۳۹۱: ۲۹).

از منظر فن‌دایک (۱۹۹۸)، دستاوردهای بالا همان کارکرد اجتماعی ایدئولوژی تشیع و کلان‌بافت ایدئولوژیک این عصر بود که گروه‌های اجتماعی مختلف را بر محور تقید به تشیع به عنوان یک نظام اندیشگانی یا ادراکی مشترک گرد هم آورد و در این میان فقها، متعلمان و علمای تشیع بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی، از این کلان‌بافت بهره‌مند شدند و به‌واسطه آن توانستند آزادانه به نشر آموزه‌های تشیع بپردازند. درحالی‌که قبل از صفویان، شیعیان به‌رغم بهره‌مندی از فرصت‌های معدودی در دوره حکومت صفاریان، آل‌بویه، ایلخانان و تیموریان، در غالب ادوار تاریخی فراز و نشیب‌های بسیاری را از سرگذراندند و در تقیه بسر می‌بردند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵، ۱۴۱-۱۴۳، ۲۹۹، ۳۰۵، ۱۴۳).

این کلان‌بافت ایدئولوژیک در فضای فرهنگی عصر صفوی رسوخ و گفتار ادبی و علمی این عصر را متأثر کرد. به گونه‌ای که برخی گروه‌های اجتماعی مانند عالمان و فقهای شیعه در مرکز این کلان‌بافت قرار گرفتند و عالمان علوم محض بیش از پیش به حاشیه رانده شدند. این صف‌آرایی به حمایت روزافزون از تولیدات فرهنگی شیعه از جمله ترجمه فارسی آثار شیعی و تقویت گفتار شیعی انجامید و حوزه علمی کشور - که از زمان هجوم مغولان و تیموریان دستخوش تغییر شده و کشتارهای گسترده، کشور را از نعمت وجود دانشمندان محروم کرده بود - در این دوره هم مهاجرت وسیع

1. Turner

دانشمندان ایرانی را به سرزمین‌های عرب، هند و امپراطوری عثمانی شاهد بود (فرشاد، ۱۳۶۶: ۹۹) و فضای علمی کشور چنان تضعیف شد که به تعبیر صفا (۱۳۶۴: ۶-۷) تنزل فکری، عقلی و ادبی کشور را فراگرفت. مثلاً، در حوزه ریاضیات، عصر صفوی میراث‌دار مستقیم آثار ریاضی‌دانان مهم دوره تیموری بود، اما آثار عرضه شده در مقایسه با آثار ریاضی‌دانان پیشین یعنی، آثار خوارزمی، ابوریحان، خیام، غیاث‌الدین جمشید کاشانی و همچنین در قیاس با آثار ریاضی‌دانان معاصر در غرب، اهمیت چندانی نداشت (شرف‌الدین در محقق، ۱۳۸۱: ۳) و متأثر از کلان‌بافت ایدئولوژیک این عصر، تخصص ریاضی‌دانان عمدتاً در بعضی «امور شرعی مثل تعیین قبله و تقسیم ارث مورد تعلیم یا رجوع بود و آن قسمت از ریاضی که در ساختمان‌های آن زمان مورد احتیاج بود، به شایستگی به‌کار می‌رفت (همان، ۵). به عبارت دیگر، گروه اجتماعی ریاضی‌دانان در این عصر به حاشیه رانده شدند، کارکرد اجتماعی محدودی یافتند و آثار آنان هم به افت کمی و کیفی دچار شد. به گونه‌ای که به تعبیر روحانی (در محقق، ۱۳۸۱: ۳۷۳) حتی آثار شیخ بهائی به عنوان دانشمند معروف این عصر هم از لحاظ کمی، کیفی و بار علمی با آثار دانشمندان سده‌های پیشین قابل مقایسه نیست. در این میان، ملا محمدباقر بن زین‌الدین یزدی ملقب به خاتم‌المهندسين از دیگران متمایز بود و توانست در زمینه اعداد نوآوری‌های خاصی را پدیدآورد (جمشید نژاد اول در محقق، ۱۳۸۱: ۳۹۶). در ذیل، به بررسی مقدمه ترجمه فارسی *عیون الحساب* این ریاضی‌دان خواهیم پرداخت.

شرف‌الدین (همان، ۲۳) افت کیفیت علوم محض را به طور کلی به عدم ارتباط علمی ایرانیان با اروپا و تعصبات عقیدتی حاکم در عصر صفوی نسبت می‌دهد که به گواه سفرنامه سیاحان اروپائی در ایران همین عوامل به سنت‌گرایی ایرانیان و عدم تمایل آنها به ابداع و اکتشاف انجامیده است (نک: وینتر^۱، ۱۹۸۶: ۵۸۶). از این رو، علوم طبیعی رو به انحطاط نهاد و شرح‌نویسی بر آثار گذشتگان و تدوین کلیاتی از علوم پیشین جای ابداع و مشاهده را گرفت، چراکه اندیشمندان این عصر از ارتباط فرهنگی با دیگر جوامع محروم بودند و ترجمه‌ای هم در زمینه علوم طبیعی برای آنها سرچشمه

1. Winter

آگاهی نشد و خود آنها هم به تجربه و آزمایش نپرداختند (فرشاد، ۱۳۶۶: ۱۰۰-۱۰۳). اما در زمینه آثار شیعی، ترجمه درون‌زبانی^۱ و بین‌زبانی^۲ چنان افزایشی یافت که نهضتی از ترجمه آثار عربی به فارسی پدید آمد (برای فهرست برخی از ترجمه‌های این دوره نک: الذریعه إلی تصانیف‌الشیعة، ۸۴/۴، ۱۰۶، ۱۲۱، ۱۴۰ و صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ۳/ ۱۰۳۱-۱۰۳۵). این نهضت در اصل «برای جبران فقدان کتابهای فارسی در زمینه اصول تشیع»، (رومر در جکسون، ۱۹۸۶: ۱۸۹) شکل گرفت و شامل ترجمه ادبیات شیعی اعم از متون روایی، فقهی، کلامی، فلسفی و اخلاقی بود. انتخاب این متون مرهون کلان‌بافت ایدئولوژیکی بود که به پشتوانه سیاست‌های فرهنگی صفویان در خرد بافت ترجمه تأثیر گذاشت و کنش گروه‌های اجتماعی مانند مترجمان و عالمان علوم شیعی را تغییر داد.

در سایه مرکزیت تشیع در کلان‌بافت ایدئولوژیک این عصر، اندیشمندان فلسفه هم به‌مانند عالمان شیعه مجالی یافتند و توانستند «با استظهار به قرآن کریم و حدیث و توسل به تجوز و توسع و تأویل، فلسفه را از تنگنای طعن‌ولعن بیرون آورند و لحن تکریم و تقدیس فلاسفه را جانشین آن سازند» (محقق، ۱۳۸۳: ۱۹). چنین دستاورد مهمی در شرایطی محقق شد که حتی مطالعه کتاب‌های فلسفه هم در کلان‌بافت ایدئولوژیک حاکم نکوهیده بود، به‌صورتی که وقف‌نامه‌های مدارس مهمی مانند مدرسه سلطانی و مدرسه مریم‌بیگم متعلمان را به صراحت از مطالعه فلسفه محض برحذر می‌داشت (نک: انزلی و گرامی، ۲۰۱۸: ۱۲-۱۳). اگر از منظر نظریه‌های ساختارگرا به ایدئولوژی نظر کنیم، تشیع به عنوان ایدئولوژی غالب در عصر صفوی بر اندیشمندان بنام فلسفه چنان فشار سرکوبگرانه‌ای وارد می‌کرد که نشانی از آنها در ساحت اندیشه فلسفی باقی نمی‌ماند. اما از منظر دیدگاه فن‌دایک، تشیع به عنوان یک نظام اندیشگانی و ادراکی به گروه اجتماعی فیلسوفان شیعه کمک کرد تا به ساخت و بازتولید نحله

۱. منظور از ترجمه درون‌زبانی یا Intralingual translation همان شرح و بازنویسی آثار پیشین است که مستلزم تغییر زبان اصلی متن به زبانی دیگر نیست.

۲. منظور از ترجمه بین‌زبانی یا Interlingual translation همان برگردان محتوای متن اصلی از زبانی به زبان دیگر است.

فکری جدید در فلسفه نائل شوند. به گونه‌ای که «در ابتدای قرن یازدهم هجری قمری با تلاش فیلسوفان شیعه‌ای مانند ملاصدرا، میرداماد و میرفندرسکی «مکتب اصفهان» شکل گرفته و رنسانسی در فلسفه پدید آمد» (همانجا، ۲-۳).
از آنجا که مطالعه حاضر به‌طور خاص بر ترجمه آثار شیعی و تأثیرپذیری آن از کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی متمرکز است، در ذیل، به نمود متنی این کلان‌بافت بر گفتمان یک مترجم حرفه‌ای یعنی، علی‌بن‌حسن زواره‌ای و دو عالم طراز اول یعنی، محمدباقر خاتون‌آبادی و آقاجمال خوانساری پرداخته می‌شود.

نمود ایدئولوژی تشیع در گفتمان سه مترجم دوره صفویه

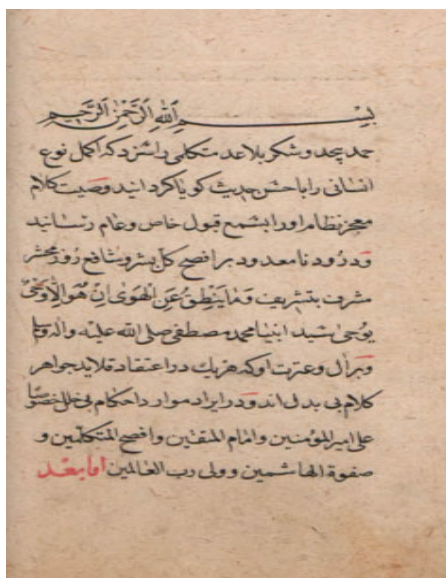
۱. زواره‌ای: مترجمی حرفه‌ای در دربار دو سلطان صفوی

زواره‌ای که با عرضه ترجمه *الخواص* از مفسران نامدار عصر صفوی قلمداد می‌شود، برای تقویت تشیع در مقابل نویسندگان اهل سنت، از جانب شاه طهماسب مکلف به تألیف آثار مهمی شد و توانست برخی منابع حدیثی و روایی را هم به فارسی برگرداند و دانش و بینش ائمه را در دسترس عموم قرار دهد (گلی‌زواره، ۱۳۷۰: ۲۶۳). این مترجم که در کنار علی‌بن‌محمد امامی از «مترجمان حرفه‌ای» عصر صفوی است (جعفریان، ۱۳۹۷: ۱۱۰۱)، از محضر اساتید بزرگی مانند محقق کرکی بهره برد و کوشید گفته‌ها و نوشته‌های محقق کرکی را بعد از مهاجرت به ایران، به فارسی نقل و ترجمه کند (محیط طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۴۸). در این بستر، سیر فکری زواره‌ای شکل گرفت.

در خوانش فن‌دایک (۱۹۹۸: ۱۰) از ایدئولوژی، بررسی بستر اجتماعی دربرگیرنده گروه‌های اجتماعی مختلف و همچنین ساختار ذهنی کنشگران اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا قاعدتاً، نمی‌توان گفتمان را در حد افکار فردی تقلیل داد، اما با توجه به ذهنیت نویسندگان و گفتمان و کنش‌های اجتماعی مؤثر بر آن، می‌توان نوشتار او را تحلیل کرد. این چارچوب ذهنی یا آنچه که فن‌دایک (همانجا) ادراک می‌نامد، در مورد زواره‌ای، برساخته مجاورت این مترجم با علمای شیعه و تفکرات عرفانی بوده و در کلان‌بافت ایدئولوژیک آن عصر به ترجمه آثاری انجامید که ترجمه *المناقب*، ترجمه *اربعون حدیثاً*، ترجمه نامه حضرت علی به مالک اشتر، ترجمه *الخواص*، حکمت اسلام،

حلیه الموحدین، شرح النهج، شرح تهذیب المنطق، عروه النجاج، لوامع الانوار، مفتاح النجاج، مکارم الکرائم، نشر الاقان فی الاسفار و الاوطان از جمله آنهاست. مثلاً، در ترجمه الخواص معاشرت این مترجم با اهل عرفان به صورت نقل مفاهیم و مطالب عرفانی نمود متنی یافت (نک: گلی زواره، ۱۳۷۰: ۰).

از بین ترجمه‌های بالا، گفتمان زواره‌ای در مقدمه اربعون حدیثا، مکارم الکرائم، لوامع الانوار، ترجمه الخواص و ترجمه المناقب از لحاظ نمود متنی ایدئولوژی بررسی می‌شود. در سایه کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی، این آثار در موضوع حدیث، شرح حال ائمه اطهار، شأن امیرالمومنین از منظر آیات قرآنی و اخلاق بود که انتخاب این آثار نشان‌دهنده تأثیر این کلان‌بافت بر کنش ترجمانی زواره‌ای است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در دیدگاه فن‌دایک، ایدئولوژی در سطح دستوری و معنایی گفتمان نمود متنی می‌یابد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا مقدمه‌های مد نظر از لحاظ بار معنایی کلمات و روش‌هایی مانند تصریح، مورد مطالعه قرار گیرد تا نمود متنی ایدئولوژی تشیع بر آنها بررسی شود.



اربعون حدیثا، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی

۱- اربعون حدیثا

شامل احادیثی است که زواره‌ای از محقق کرکی نقل و به فارسی ترجمه کرده. مقدمه این ترجمه با ستایش پروردگار، مدح پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین آغاز می‌شود؛ بدین صورت که آیه ۱۳ سوره نجم (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ) در وصف پیامبر اعظم (ص) به کار رفته و در ستایش امیرالمومنین هم القابی مانند ولی رب العالمین، صفوه الهاشمین و افضح المتکلمین نوشته شده که بار مثبت

۱. و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید.

آنها مشهود است. درباره ضرورت این ترجمه آمده است که بر «سخن گستران عرصه دین» و «ناماوران معركة یقین» پوشیده نیست که بهترین کلام بعد از قرآن کریم، کلام پیامبر اکرم (ص) و ائمه کرام است که سعادت دنیوی و اخروی را برای بشر رقم می‌زند و از همین جهت چهل حدیثی که محقق کرکی با استفاده از اسناد معتبر گردآورد، برای ترجمه به فارسی انتخاب شد. با توجه به سیاست ترویج تشیع، نسبت دادن سعادت دنیوی و اخروی به احادیث ائمه در گفتمان زواره‌ای در این مقدمه و دیگر مقدمه‌ها قابل تأمل است. زواره‌ای، در توصف محقق کرکی از به‌کاربردن القابی مانند «فخرالمجتهدین»، «شیخ الاسلام و المسلمین» و «زین‌المتکملین» دریغ نکرد و به این ترتیب مراتب ارادت خود را به او بیان کرد و نیز با ذکر «شیخ الاسلام» و «فخرالمجتهدین» به سمت‌های رسمی این عالم شیعی در دربار صفوی اشاره کرد که «نشان‌دهنده اهمیت او در سیاست نشر و گسترش شیعه اثنی عشری است» (ترنر، ۲۰۰۱، ۹۰-۹۲) و جانب‌داری مترجم از سیاست دین‌سالارانه عصر صفوی و، یا ایدئولوژی سیاسی آن دوره را هم نشان می‌دهد.

۱-۲. ترجمه المناقب

ترجمه فارسی کشف الغمّه اربلی در شرح حال، فضائل و معجزات چهارده معصوم است. مقدمه این اثر هم از لحاظ ساختار شماتیک، با حمد پروردگار و رسول‌الله آغاز شده و در توصیف پیامبر اکرم (ص) آیه ۴۲ سوره شوری (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ^۱ و آیه ۳۳ احزاب (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) ^۲ به‌کار رفته و مترجم تصریح می‌کند که این آیه در شأن پیامبر اعظم (ص) و خاندان آن حضرت نازل شده و هرکس به معرفت این خاندان نائل شود، از شرّ بلا یا نجات می‌یابد. سپس، زواره‌ای برای تأکید بر فضیلت ایشان، خصوصاً حضرت علی (ع)، از صفاتی مانند «امام‌المتّقین» و «یعیسوب‌الدین» به معنای اولی بودن و

۱. بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

۲. خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه کند.

ضرورت تبعیت از آن حضرت استفاده کرده و وجود پیامبر اکرم (ص) و دوازده امام را دلیل آفرینش انسان دانسته و تأکید می‌کند که «بر همه کس واجب و لازم است که در تحقیق احوال و آثار و تفتیش مناقب و اخبار ایشان نهایت سعی و کمال اهتمام را بتقدیم رسانند [...] و از ظلمات شبهات برهند». در ادامه، تسهیل کشف الغمّه را هدف این ترجمه معرفی می‌کند، هرچند که متن عربی «گوی بلاغت را از اهل زمان ربوده بر وجهی که ارواح طیبه ایشان از آن شادان است و خانه دل مومنان آبادان». زواره‌ای، در این ترجمه به اختصار و حذف تکرارها توجه داشته و به نقل از اربلی می‌نویسد: «چون حق سبحان الله تعالی طریق مستقیم و منهج قویم با این بنده کرامت فرمود و دیده و دل من به دوستی آل نبی صل الله علیهم بینا گشت دیدم که طرق متفرقه در میان مردم افتاده و شعب مختلفه در میان ایشان پیدا شده تلقی نمودم به شکر نعمت الهی [...] تصریح نمودم بمولات ایشان وقتی که اهل خلاف در اخفای آن می‌کوشید و پرده مخالفت بر آن می‌پوشید.»

زواره‌ای با این نقل قول شرایط خفقان آور حاکم بر علمای شیعه در قرن هفتم هجری قمری را یادآوری کرده و با ذکر آیه ۴۲ سوره شوری (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) از زبان نویسنده بار دیگر بر ضرورت تبعیت و دوستی با اهل بیت تأکید کرده و تصریح می‌کند که «هر که فرمان برد ایشان را فرمان الهی را گردن نهاده و هر که نافرمانی کرد ایشان را بوادی عناد و محاربه حق افتاده و نفس خود را در معرض عتاب و عتاب رب الارباب قرار داده». تصریح و تأکید بر ضرورت تبعیت از ائمه با استناد به آیات قرآنی همان نمود متنی ایدئولوژی تشیع در گفتمان زواره‌ای است که به این اثر محدود نمانده است.

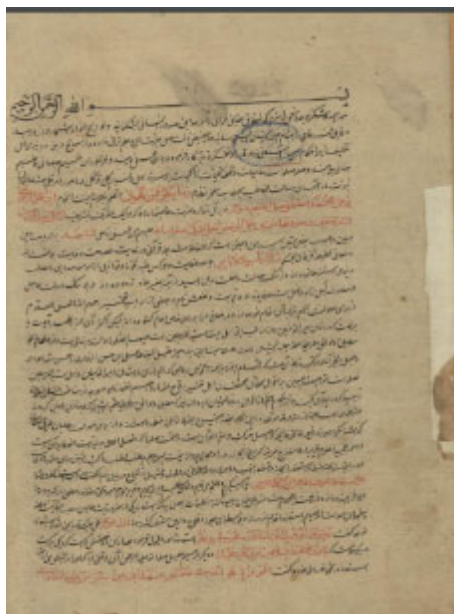
۱-۳. ترجمه الخواص یا تفسیر زواره‌ای

ترجمه و تفسیر بر چند سوره آغازین و پایانی قرآن کریم است که مقدمه آن به رسم رایج با مدح پروردگار، پیامبر اعظم (ص) و امیرالمومنین آغاز شده و در بیان ضرورت و وجه تسمیه آن آمده:

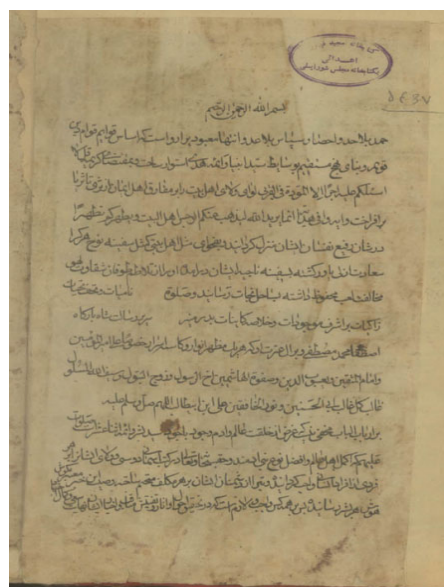
«بر ارباب دین مبین و اصحاب یقین مبرهن و مقین است که الفاظ شریفه قرآنی در

نهایت فصاحت و غایت بلاغت‌اند و معانی لطیفه فرقانی بحکم وَا رَطْبٍ وَا یَابِسٍ اِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِیْنٍ بلاحد و غایت [...] و بعضی ارباب تفسیر رحمهم الله العلی از برای سهولت انام بترجمه آن اقدام نموده‌اند در معنای آن را بر روی خاص و عام گشوده ولیکن اکثر آن از اظهار آیات بابرکات که در شأن امیرالمومنین و مناقب باقی اهل بیت سیدالمرسلین خالی است و از احکام آنچه مطابق و موافق طریقه حقیقه ایشان است عاری بنابراین بنده حقیر قلیل البضاعت [...] بر ترجمه آن شد نام یافته ترجمه الخواص بر وجهی که آنچه از آن در شأن امیرالمومنین و آل سیدالمرسلین باشد بر احوال محققان اهل تفسیر اظهار نماید»

مطالب بالا نمود متن جانب‌دارانه زواره‌ای از سیاست فرهنگی صفویان، ایدئولوژی تشیع و تمایل او به مشارکت در گفتمان‌سازی تشیع است. در همین جهت، مترجم در سطرهای بعدی تصریح می‌کند که از تفسیر موهّب‌علیه هم بهره برده، اما صرفاً در مواردی که تفسیر پیامبر منافاتی نداشته است.



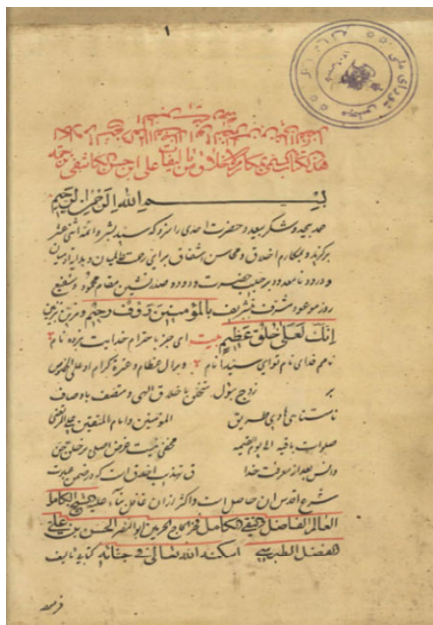
ترجمه الخواص، کتابخانه مجلس، شماره



ترجمه الخواص، کتابخانه مجلس، شماره بازایی ۳۵۵ تیروز

۱-۴. مکارم الکرائم

ترجمه فارسی مکارم الاخلاق طبرسی از اکابر قرن هفتم ق. در اخلاق است که ساختار شماتیک مشابهی دارد. با این تفاوت که در مقدمه این اثر به مدح حضرت فاطمه (س) هم پرداخته شده و در وصف فضائل حضرت علی (ع) عبارتهایی مانند «زوج بتول»، «هادی طریق مومنین»، «متخلق به اخلاق الهی» و «متصنف به اوصاف نامتناهی» به کار رفته است. زواره‌ای در توضیح انگیزه خود از این ترجمه می‌نویسد: «مخفی نیست غرض اصلی بر خلق انس و جن بعد از معرفت خدا تهذیب اخلاق است که در



مکارم الکرائم، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۱۰۵۷۶

ضمن عبادت شرع مقدس آن حاصل است و اکثر از آن غافل شیخ‌الکامل [...] الطبرسی کتابی تألیف کرده در اخلاق تمام دارد در افاق مشتمل بر اقوال صریحه و بقول صحیحه سیدالانام و ائمه‌الکرام بر وجهی که بسی فواید کلیه و دنییه و اخروییه درو مندرج است و بلاشک عامل او در دنیا حمید است و در آخرت سعید و بجهت عموم فایده العبد الفقیر علی بن حسن زواره‌ای متصدی ترجمه آن شد.

زواره‌ای سعادت دنیوی و اخروی را منوط به الگوبرداری از اخلاقیات آل عترت می‌داند و بر همین مبنا می‌توان انتخاب و ترجمه این اثر را هم در جهت ترویج ارزش‌های اخلاقی از منظر امامان شیعه و مشروعیت بخشی به تشیع اثنی عشری دانست.

۱-۵. *لوامع الانوار فی معرفة الائمه الطهار*

ترجمه‌ای درون‌زبانی از *احسن الکبار فی مناقب ائمه اطهار* عرب‌شاه ورامینی است که به مانند دیگر ترجمه‌ها، مترجم ابتدا، بر فضیلت آل هاشم تأکید می‌کند و در ستایش پروردگار می‌نویسد: «شکر نامعدود آن معبودی راست که ... به وجود باجود سید بشر و ائمه اثنی‌عشر عالم را از کتم عدم به فضای وجود رسانید [...] ائمه هاشمی را بزیور اقامت مشرف و مزین ساخته». سپس، به رسم متداول عصر صفوی، معاندان ائمه را نفرین کرده و در قالب جملاتی مملو از واژه‌های عربی به توصیف فضائل آل‌عترت می‌پردازد. مثلاً، امام زمان را «صاحب هذا العصر و الزمان صلوة باقیة الی کلّ حین و او ان» توصیف می‌کند و با ذکر صفاتی مانند «ضلّ الله»، «نایب مهدی»، «گوهر درج آل پیغمبر»، «گل امید گلشن حیدر»، «قره‌العین پیشوای بشر»، «سایه لطف حضرت ایزد» و غیره در بیست سطر به مدح شاه طهماسب می‌پردازد. با توجه به اینکه سلاطین صفوی همواره در پی انتساب خود به امام موسی کاظم (ع) و حضرت علی (ع) بودند (سیوری، ۱۳۹۱)، این توصیف‌ها تأییدی بر این ادعا و تلاشی برای مشروعیت‌بخشیدن

به نظام ایدئولوژیک صفوی به نظر می‌رسد. زواره‌ای پس از نفرین مخالفان شاه طهماسب، درباره او می‌نویسد: «چون ثواب عالی ریایات اکثر اوقات خجسته غایات را معطوف و مصروف می‌فرمایند در تحقیق اخبار و تفتیش اثار حضرت ائمه اطهار [...] بنابراین اشراات عالی‌اعلی عزّ اصدار یافت که بنده کمترین [...] کتاب احسن‌الکبار را که در مناقب و احوال ائمه اختیار است تبدیل ترتیب تفسیر عبارت آن نموده بعبارت پاکیزه دلپذیر ترتیب‌دهد».



لوامع النوار فی معرفة الائمه الطهار، کتابخانه

مجلس، ۹۳۸۹

بررسی گفتمان زواره‌ای در مقدمه‌های بالا از منظر فن‌دایک و با تمرکز بر نمود متنی

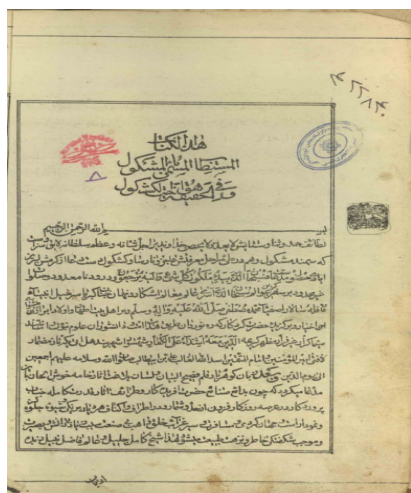
ایدئولوژی در سطح معنا نشان می‌دهد که این مترجم و مفسر بنام عصر صفوی با روش‌هایی مانند تصریح فضیلت آل‌هاشم، تأکید بر امامت حضرت علی، مشروعیت‌بخشی به ولایت حضرت علی (ع) با استناد به آیات قرآنی، ذکر مناقب شاه طهماسب صفوی در قالب صفاتی مانند «ظل‌الله» و «نایب مهدی» و غیره در گفتمان‌سازی تشیع مشارکت کرده و در عین حال از پادشاهان صفوی به عنوان پرچم‌داران این مذهب و جانشینان به حق ائمه جانب‌داری کرده است. این جانب‌داری مختص این مترجم نبوده و کم‌وبیش در آثار دیگر مترجمان و حتی شاعران عصر شاه طهماسب هم دیده می‌شود (نک: اشعار عبیدی بیک شیرازی در جعفریان، ۱۳۷۹: ۵۰۹) که در ذیل، به نمود متنی این جانب‌داری در گفتمان یکی از عالمان برجسته عصر سلطان حسین پرداخته شده است.

۲. محمدباقر خاتون‌آبادی: ملاباشی مترجم

محمدباقر خاتون‌آبادی از عالمان ممتاز و بنام‌خاندان خاتون‌آبادی در اواخر عصر صفوی بود که در زمان شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۱۱۲۵ ق) به منصب شیخ‌الاسلامی و ملاباشی منصوب و از جایگاه ممتازی نزد این سلطان برخوردار شد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۸۶ و ۹۸۹ و ۹۹۱). از منظر فن‌دایک، می‌توان گفت که خاتون‌آبادی در گروه اجتماعی علمای شیعه عصر صفوی صاحب شأن و منزلت بود و در عصر شاه سلطان حسین، کارکرد اجتماعی خاصی داشته است. علاوه بر این، نظام اندیشگانی این عالم در یکی از خاندان‌های بنام تشیع شکل گرفت و همین خصیصه مسیر او را در مشارکت برای گفتمان‌سازی تشیع هموار کرد. تألیفات و ترجمه‌های متعدد او در زمینه تشیع گواهی بر این تلاش است. در ذیل، به گفتمان این عالم طراز اول شیعی در مقدمه پنج ترجمه از او خواهیم پرداخت.

۲-۱. المشکول

این کتاب تألیف حاج بابا قزوینی و در موضوع وعظ و حکایت است که خاتون‌آبادی قسمت‌هایی از آن را از عربی به فارسی ترجمه کرد. به مانند ترجمه‌های زواره‌ای، این ترجمه هم با حمد پروردگار و ثنای پیامبر اکرم (ص) وائمه آغاز شده و مترجم اهل



المشكول، کتابخانه مجلس، ۵۵۲۸

بیت و حضرت علی (ع) را با عبارت‌هایی مانند «دانشوران علوم نبوت و امامت»، «شهسوار شهربند هل اتی» و «یکه تاز مضمار لافتی» ستوده و درباره دلیل تألیف این اثر می‌نویسد: «بدایع صنایع حضرت افریده کار و طرائف اثار قدرت کامله جناب پروردگار در عرصه روزگار فزون از حد [...] و در اطراف و اکناف و هر دیار برنگی [...] نمودار است و [...] سیر غرائب سبب زیادت دانش و بصیرت و موجب شکفتگی خاطر [...] می‌شود». سپس، حاج بابا قزوینی را «سالک

شاهراه اصحاب دین» می‌نامد و می‌نویسد «در اکثر اوقات سفر رفیق و همراه [عاملی] بوده و مجموعه که بعضی ازان فارسی و اکثر ان عربی و مشتمل بر احادیث شریفه و حکایات لطیفه بر مواعظ و نصایح بی‌قرین و اشعار رنگین است به سلك تحریر در آورد». در چهار سطر بعدی، خاتون‌آبادی به توصیف سجایای سلطان حسین پرداخته و او را «مطلع انوارالملک و الدین» و «مروج مذهب حقه ائمه اثنی عشر» می‌نامد که: «امر و مقرر فرمودند که آنچه از مجموعه مزبوره عربی باشد فارسی شود». شمار الفاظی که خاتون‌آبادی در مدح سلطان حسین نوشته به مراتب بیشتر از توصیفات زواره‌ای در ستایش شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی است، اما تصریح فضائل خاندان پیامبر، تأکید بر امامت حضرت علی (ع) و حقایق تشیع در این مقدمه هم دیده می‌شود.

۲-۲. ترجمه عده السفر و عمده الحضر

ترجمه فارسی کنوز النجاج و عده السفر و عمده الحضر طبرسی در موضوع دعاست که تصریح و معانی مثبت در مقدمه آن مؤید جانبداری مترجم از ایدئولوژی تشیع و معرفی سلطان حسین به عنوان سلطانی دین‌مدار و مقتدر است. به این صورت که خاتون‌آبادی پس از مدح پروردگار و پیامبر اکرم (ص)، در ستایش خاندان پیامبر و حضرت علی (ع)

عبارتهایی مانند «سفیان نجان امت»، «وسایط افاضه فیض خالق»، «کشاف رموز لو کشف الغطاء»، «موضوع علوم مجموعه دین» را نوشته و سپس در بیش از سی سطر به ذکر فضائل شاه سلطان حسین پرداخته و القابی مانند «یگانه گوهر درج پاسبان مذهب حق ائمه اثنی عشر» و «خادم عتبات ذریه پاک پیامبر» به او نسب می‌دهد و می‌نویسد: «چون از برکات الطاف والای خداوند مستعان [...] اشتغال باشغال سلطنت و انجام مهام سپاهی [...] ان شاهنشاه علم پناه را از صرف اوقات در وظایف طاعات و اکتساب حسنات [...] باز نمی‌دارد و اکثر اوقات تحصیل رسائل اذکار و دعوات و مجموعه‌ای مولفه در عبادات و تفحص کتب ادعیه و اعمال وارده از مقربان درگاه ایزد متعال می‌نمایند که بدان وسیله نشر آثار پیشوایان دین و شکرگزاری خالق معین فرموده باشند و در این اوان خیراقتران نسخه عتیقه بردو مجموعه کثیرالمنفعه یکی مجموعه مشهوره مسماء بکنوز النجاح که از نغایس مجموعه‌ای دعا و محتوی است بجهت اکثر مطالب و مقاصد از اهل بیت عصمت [...] و دیگری مجموعه معروفه مسماء بعده السفر و عمده

فی الحضر که آن نیز از مجموعه‌های مرغوبه مولفه در دعا و عبادات [...] خاطر خطیر بیضا نشان ان فرمانروای اهل جهان متعلق کردید [...] داعی دوام دولت قاهره محمد باقر اسمعیل الحسینی الخاتون‌آبادی را [...] مأمور [...] ساختند که دو رساله مزبوره را فارسی نموده بنظر انور اکسیر خاصیت آن مهر سپهر سلطنت رسانند». خاتون‌آبادی برای تأکید بر اعتبار این دو رساله به تصحیح محقق کرکی که «پیوسته راغب و مایل به تتبع آثار اهل بیت طاهرین» بود اشاره می‌کند و او را «شیخ جلیل فاضل»، «منبع العلوم

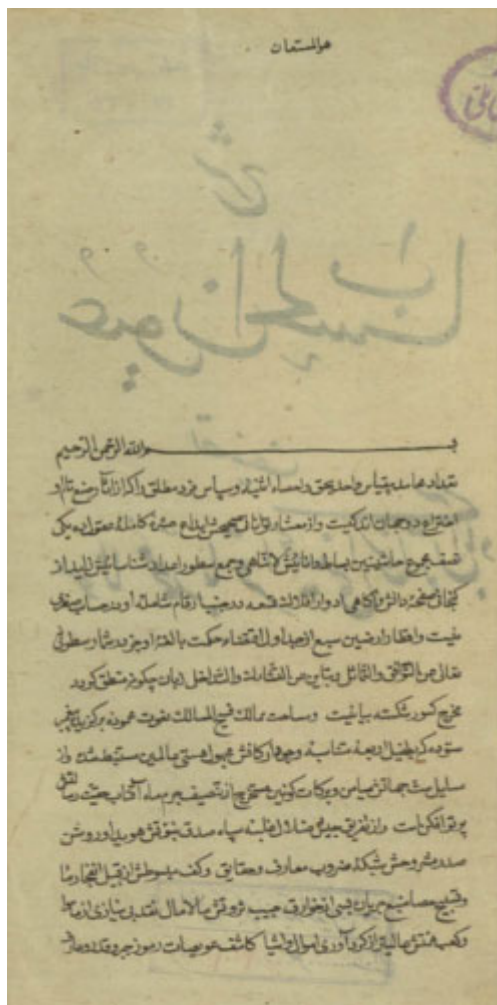


ترجمه عمده السفر و عمده الحضر، کتابخانه مجلس، ۲/۹۱۶۸

الربانیّه»، «خاتم المجتهدین» و «مروج المذهب» می‌نامد و بدون ذکر نام نویسنده یا مقدمه او، ترجمه فارسی هر دعا را در ذیل جمله عربی می‌آورد.

۲-۳. ترجمه عیون الحساب

در مقدمه این اثر که تألیف ملا محمدباقر یزدی در زمینه ریاضیات است، خاتون آبادی رویکرد مشابهی داشته و برای اثبات امامت دوازده امام کوشیده، با این تفاوت که در مدح پروردگار و ستایش پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مرتباً از کلمات مرتبط با علم حساب و ریاضیات استفاده کرده و به این ترتیب سبک این مقدمه به کلی متمایز شده است. مثلاً، در مدح پروردگار می‌نویسد: «سپاس فرد مطلق را که از آثار وضع او اختراع دو جهان اندکیست و از معشار توانایی صحیحش ابداع عشره کامله و عقول ده یکی نصف مجموع حاشیتین بساط دانایش لایتناهی و جمع سطور اعداد شناسانش زاید از (؟) صفحه دانش و آگاهی» و در ستایش پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: «پیغمبر ستوده که بطفیل اربعه



ترجمه عیون الحساب، کتابخانه مجلس، ۲۱۳۰

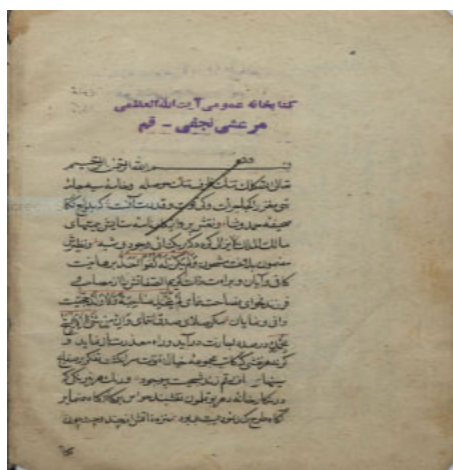
متناسبه وجود ارکانش مجهول هستی عالمین مستنبط شده [...] روشن صدر مشروحش شبکه ضروب معارف [...] کاشف عویصات رموز جبر و قدر [...]». سپس، صراحتاً بر ضرورت مودت اهل بیت و امامت دوازده معصوم تأکید کرده و می‌نویسد «دوستداری

ذریهٔ اختیارش ردّ و تکمیل عقاید را مناط است» و آنان «ابراج اثنا عشر سپهر امامتند» و حضرت علی (ع) «داناى قطر دایرهٔ فلک اعظم» که «پذیرفتگی ولایتش سبب انضباط نظم طبیعی» بوده و «از تندى خوی تیغش زاویهٔ سینهٔ ابطال حاده» و «[...] حاصل ضرب دستش تقویت دین مبین الهی است».

این ترجمه به سفارش مستوفی الممالک از اعیان دربار انجام شده است که هجده سطر به ستایش مقام او اختصاص یافته و چنین آمده که: «در رکاب خردمندیش دانشوری ارسطویی غاشیه‌کش [...]»، از مستفیدان رسائل فنون کمالش عشر معشاری ابومعشر [...] پرتوی از مشکوهٔ ذهن افروخته‌اش شمع ادراک رواقیان [...] میل کلی آفتاب ضمیر مستنیرش را به ترجمهٔ کتاب مستطاب عیون الحساب بمعول فکر و غور نقاب استادالمهندسین و استناد مهرة المحاسبین [...] افضل المتقدمین و المتأخرین [...] ملامحمد باقر یزدی [افتاد] و شعاع فرمانش بر این ذرهٔ ناتوان تافت لاجزم [...] این کتاب را مرتب نموده‌ام در مقدمه و هفت مطلب». خاتون‌آبادی بدون اشاره به مقدمهٔ نویسنده مقدمه‌ای دو صفحه‌ای دربارهٔ علم حساب به این گونه نوشته: «علم حساب دانستن قواعد استخراج مجهولات عددیه است از معاومات مخصوصه و [...] موضوع علم حساب عدد است و عدد کمیتی است که فراهم شده باشد از وحدت». به جز این بخش، مترجم در سایر بخش‌ها هم با الفاظ مشخصی از ایدئولوژی تشیع جانبداری می‌کند. همین رویکرد در ترجمهٔ *اناجیل اربعه* هم دیده می‌شود.

۲-۴. ترجمهٔ *اناجیل اربعه*

همسو با نهضت ترجمهٔ عهد صفوی، خاتون‌آبادی این ترجمه را به دستور شاه سلطان حسین آغاز کرد و موظف شد مطالبی در ردّ آراء مسیحیان به آن الحاق کند (نک. مقدمهٔ جعفریان بر ترجمهٔ *اناجیل اربعه*، ۱۳۷۴: ۵۴-۵۵). از این لحاظ به نظر می‌رسد که این ترجمه در



ترجمهٔ *اناجیل اربعه*، کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۳۳۶۴

صیانت از گفتمان تشیع در مقابل اقلیت‌های دینی هم سهیم بوده است. نمود متنی ایدئولوژی تشیع در این اثر با آثار هم‌طراز مشابه است، به گونه‌ای که مترجم ابتدا، به ستایش پروردگار می‌پردازد، اما در مدح پیامبر اکرم (ص) بر فضیلت اسلام تأکید می‌کند و می‌نویسد: «طغرای غرّای رسالتش را بر فسخ ادیان انبیا نقش خاتم [...] از کوبه طلوع آفتاب انور دین مبینش نجوم شرایع مرسلین افول کزید». سپس، در ذکر مناقب ائمه می‌گوید: «صلوات طیبات از حد افزون [...] بر آن گوهر پاک و آل اطهار و اهل بیت اخبار او باد که مخصوصین بخطاب مستطاب و یطهرکم تطهیراً و منصوبین بنص بلاغت نصاب إلاً المودّة فی القربی و پیشوایان دین مبین و شفیعان روز پسین‌اند». چند سطر هم به‌طورخاص به فضائل حضرت علی (ع) اختصاص می‌دهد و از ایشان با عبارتهایی مانند «شهریار اقلیم هل اتی»، «بر همه خلق هادی و رهبر» و «زینت‌بخش مرتبه هرونی» یاد می‌کند.

بعد از تحمیدیه و صلواتیه بالا، خاتون‌آبادی چهل سطر به سجایای سلطان حسین اختصاص می‌دهد و او را «ثمره شجره ولایت»، «میوه دوحه خلافت» و «متوجه رواج دین مبین و متعلق برونق مذهب متین حضرت سیدالمرسلین و ائمه معصومین [...]» می‌نامد و در توضیح انگیزه سلطان حسین از سفارش این ترجمه به سیاست ضدمسیحیت این سلطان اشاره می‌کند و می‌نویسد «تا عموم خلایق و برایا پیروی نور هدایت و دلالت عالم بمراتب ایقان و عامل بمقتضیات ایمان شوند و آثار ملل باطله متروک و طرق مذاهب عاطله غیرمسلوک گردد». خاتون‌آبادی در همین جهت مجدداً تصریح می‌کند که «در این اوان [...] پرتو توجه به ساحت تتبع اقوال سالکان غیاهب ضلال انداخته [...] سمند خواهش [...] ساختند که استخراج دلایل از کتابی که گمراهان مسیحیه موافق آراء و خواهش خود تصنیف و کلام یزدانی را تغییر و تحریف و ان را اناجیل نامیده، به لغت عربی نقل نموده‌اند و استنباط شواهد از اقاویل احبار نصارا بر بطلان دین آن قوم [...] فرموده، لجام الزام جهت ن گروه [...] مرتب سازند». در خاتمه، درباره روش ترجمه می‌آورد: «به سبب آنکه نصرانی که انجیل را به لغت عربی نقل کرده چندان مربوط به سیاق و اسلوب کلام عربی نبوده و در بعضی از عبارات الفاظ غریبه و کلمات غیرعربی و تراکیب نامانوس و فقرات از ربط مأیوس، استعمال نموده و فهم مراد از ان بدون رجوع به انجیل اصل که عربی نیست، ممکن

| نمود ایدئولوژی تشیع در گفتمان مترجمان دوره صفوی ... | ۷۷

نبود [...] بعضی از کتب و رسائل معتمده ایشان که در این بلاد بهم می‌رسد، تتبع و تحصیل، و مکالمات با جمعی که عارف بودند به لغات اصیله اناجیل نموده، آنچه از مقاصد آن بوضوح رسید در سلک ترجمه کشید».

این مقدمه به سبب تأکید بیش از حد بر مناقب شاه سلطان حسین و ضدیت مترجم و سفارش‌دهنده ترجمه با مسیحیت، از دیگر مقدمه‌ها متمایز است.

۳. آقا جمال خوانساری: عالم طراز اول و مترجم خوش‌قریحه عصر شاه سلطان

حسین

به گفته جعفریان (۱۳۹۷: ۵۷-۶۲)، خوانساری (م. ۱۱۲۲) از عالمان دقیق‌النظری بود که در فقه، فلسفه و اجتماعیات ورودی تمام عیار داشت و از چهره‌های سیاسی و نزدیک به حکومت صفوی بود که همواره مرجع پرسش‌های فقهی و کلامی شاه سلطان حسین بود و در دوره‌ای که با رشد علوم دینی مقارن بود همراه با پدرش در شکل‌دهی به فرهنگ شیعی این دوره نقش مهمی داشت. این عالم برجسته با بهره‌مندی از این نظام اندیشگانی و کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی آثار متعددی در زمینه تشیع عرضه کرد که در اینجا به مقدمه او بر ترجمه مفتاح الفلاح خواهیم پرداخت.

۳.۱. ترجمه مفتاح الفلاح

مفتاح الفلاح فی الأعمال والأدعیه اللابدیه فی الیوم واللیلۃ از آثار شیخ بهایی (م. ۱۰۳۰) است که در شش باب برحسب اعمال واجب و مستحب روز و شب مرتب شده و بارها به زبان فارسی ترجمه شده است (آقا بزرگ، ۱۴۰۳: ۲۱ / ۳۳۹). خوانساری در ترجمه فارسی خود بر اهمیت دعا در سعادت بشر تأکید کرده و خداوند را به‌واسطه آنکه «دعا را کلید خزاین فضل و



ترجمه مفتاح الفلاح، کتابخانه مجلس، شماره ۵۹۸ مس

احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان ساخته» می‌ستاید و درباره اهمیت مودت با ائمه اطهار می‌نویسد: «در روز دیوان عدالت [پروردگار] عبادت صد ساله بی ولای آل اطهارش که عرض نمود که بجزای ان بقید دوام مُقید باغلال و سلاسل نکردید صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین». سپس، درباره اهمیت کتاب‌های ادعیه و اعمال می‌نویسد: «بر مرایای حقایق‌نمای هوشمندان حقیقت‌کزین [...] محتجب و مختفی نخواهد بود که علت غائی و غرض اصلی از ابداع انسان و اختراع این زبده نتایج ارکان و خلاصه ازدواجات عالم امکان [...] مواظبت بر طاعات و اشتغال بر عبادتست تا اینکه هر کس در خور استعداد و قابلیت که بسبب آنها اکتساب نماید [...] سزاوار رحمت بی‌منتها و مستحق نعمتهای لاتعد و لاتحصی گردیده». به همین سبب، کتاب *مفتاح‌الفلاح* و مؤلف آن را می‌ستاید و می‌گوید: «چون از جمله کتب و مصنفه درین باب کتاب *مفتاح‌الفلاح* که حضرت شیخ محقق [...] وحید زمانه و علامه اوانه الشیخ بهاء‌المله و الدین محمد العاملی عامله الله بلطفه الخفی و الجلی در صلوات و ادعیه شبانروزی تالیف کرده کتابیست جلیل‌القدر عزیز‌المثال عظیم‌الشان [...] به زبان عربی تحریر یافته و جمعی را که لغت فارسی مأنوس و مألوف بوده باشد از آن چندان تمتع و بهره میسر نیست بخاطر فاطر این بنده محتاج بعفو [...] رسید که آن را بزبان فارسی ترجمه نماید تا همگی طوایف انام از خواص و عوام محظوظ و بهره‌مند گردند». خوانساری «در هر جا که احتیاج بتوضیحی بود خواه از فقرات دعا و خواه از ترجمه کلام شیخ در حاشیه توضیح آن نموده و [...] و سخنان دیگر بان الحاق شده و از سخنان شیخ چیزی [...] بیرون نرفته مگر قلیلی از فقرات که ترک نموده ذکر آنها را بجهت آنکه مناسب این ترجمه و آنچه غرض از وضع ان بوده نمیدانست».

هرچند این ترجمه به سفارش سلطان حسین انجام نشده، مترجم از ذکر فضائل او غافل نمانده است و «از آنجا که عادت‌یست قدیم و رسمی کهن و بر همگی ارباب دانش [...] که هر کس را تمنای آن که آنچه عزیز داند و تحفه شمارد بجانب برگزیده دوران و فرمان‌فرمای زمان اهدا و اتحاف نماید [...]» کتاب را به سلطان تقدیم کرده و او را «شهریار عادل دریادل» و «هم‌آغوش هم از وی دین و دولت» نامیده و در چهار صفحه به مراتب قدرت و شوکت این پادشاه پرداخته و نهایتاً مقدمه نویسنده اثر، شیخ بهایی را گنجانده است.

مقدمه بالا نشان‌دهنده تفاوت کلان‌بافت حاکم بر تألیف و ترجمه این اثر است، زیرا در مقدمه شیخ بهایی اثری از مدح ائمه اطهار خصوصاً حضرت علی (ع) و تأکید بر مودت خاندان پیامبر اکرم (ص) دیده نمی‌شود. علاوه بر این، شیخ بهایی به‌مانند مترجمان بالا به تفصیل سجایای سلطان عصر نپرداخته و صرفاً به مدح کوتاهی از پروردگار کفایت کرده است. این مسئله به این مورد منحصر نیست و در دیگر تألیفات و ترجمه‌های پیش از صفویه هم دیده می‌شود. برای نمونه در رساله *مسمارالعقیده* که برگردان فارسی *مسمارالعقیده* تألیف تاج‌الدین عبدالله بن معمار بغدادی است، مترجم یعنی، قوام‌الدین هبه‌الله بن محمد بن اصیل‌الدین عبدالله در مقدمه خود ابتدا به ستایشی مختصری از پروردگار و مدحی کوتاه از پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و سپس در چند سطر کوتاه سلطان محمد خدابنده را با الفاظی مانند «پادشاه جهان»، «دارای جهانیان» و «سایه رحمت رحمان» می‌ستاید و با توضیحاتی درباره مؤلف و دلیل این ترجمه مقدمه را به پایان می‌برد. در این مقدمه از ذکر مناقب آل‌عمرت، تبیین ارجحیت حضرت علی (ع) در امامت مسلمانان، ستایش سلطان محمد خدابنده به عنوان جانشین ائمه یا حافظ و مروّج مذهب شیعه و دیگر رویکردهای مترجمان عصر صفوی برای مشروعیت‌بخشی به نظام دین‌سالار صفوی، هیچ نشانی دیده نمی‌شود؛ هرچند سلطان محمد خدابنده خود از سلاطین شیعه مذهب ایلخانی بود (برای جزئیات بیشتر درباره محتوا و اهمیت *مسمارالعقیده* نک: جعفریان، ۱۳۷۳: ۲/ ۷۷۳-۷۹۲).

نتیجه‌گیری

از مطالعه بستر سیاسی حاکم بر عصر صفوی و همچنین ده مقدمه بالا چنین برمی‌آید که ترجمه در دوره صفوی عمدتاً کارکردی ایدئولوژیک داشت و این قضیه در سیر صعودی تعداد ترجمه‌های آثار شیعی در برابر آثار علوم محض و گفتمان مترجمان مشهود است. اگر این گزاره را در سایه نظریه‌های ساختارگرا بسنجیم، بایستی به ایدئولوژی به عنوان نیروی قهری بنگریم که از جانب ساختار قدرت بر مترجمان اعمال می‌شده است. اما در پرتو نظریه فن‌دایک، خوانشی از ایدئولوژی تشیع در دوره صفوی به دست می‌آید که در آن بیشتر مؤلفه‌هایی از صاحبان قدرت و نیروی قهری آنان دخیل‌اند. طبق این خوانش، مترجمان عصر صفوی که عمدتاً به گروه اجتماعی

متعلمان یا عالمان شیعه تعلق داشتند، با بهره‌مندی از حمایت‌های کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی و با محوریت اعتقاد به تشیع که در منظر فن‌دایک همان نظام اندیشگانی مشترک آنها بود، با ساختار قدرت همسو شده و با انتخاب آثار شیعی برای برگردان به فارسی در بازتولید این ایدئولوژی مشارکت کردند. علاوه بر انتخاب آثار شیعی، عمده مترجمان این عصر در مقدمه ترجمه‌ها جانب‌داری خود را از ایدئولوژی تشیع و کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر صفوی به رشته تحریر آوردند و گفتمانی را در تأیید نظام دین‌سالار صفوی و مشروعیت سلاطین صفوی به عنوان جانشینان ائمه شکل دادند که نظیر آن در مقدمه معدود آثار شیعی ترجمه‌شده در دوره‌های قبل دیده نمی‌شود.

طبق نظریه فن‌دایک، ایدئولوژی در سطوح معنایی و دستوری گفتمان نمود متنی می‌یابد. با بررسی عبارت‌ها و اصطلاحات به کار رفته در مقدمه‌های مورد نظر، چنین برمی‌آید که مترجمان انواع روش‌های تبیین متنی ایدئولوژی یعنی، تصریح، تأکید، به کار بردن لغات با بار معنایی مثبت و منفی و مشروعیت‌بخشی با استناد به مطالب دیگر را به کار می‌بردند. مترجمانی مانند زواره‌ای، خاتون‌آبادی و خوانساری در مقدمه ترجمه‌های خود مرتباً بر سجایا و فضائل ائمه اطهار مخصوصاً حضرت علی (ع) تأکید می‌کردند، تبعیت و مودت با ائمه و آل‌عترت را صراحتاً ضروری می‌دانستند، اسامی خاندان پیامبر اکرم (ص) را تکرار می‌کردند و در قالب عبارت‌ها و اصطلاحاتی خاص، برای آنان در رهبری امت ارجحیت قائل می‌شدند و در این راه، از استناد به آیات قرآن کریم هم غافل نمی‌ماندند. علاوه بر اینها، مترجمان در مقدمه آثار خود به وضوح از کلماتی با بار معنایی منفی برای اشاره به مخالفان خاندان رسول‌الله استفاده و به تفصیل بر فضائل و مناقب سلاطین صفوی تأکید و صراحتاً آنها را به خاندان پیامبر اکرم (ص) منسوب می‌کردند و از این طریق جایگاه والای آنان را در گسترش شریعت اسلام و مذهب تشیع مورد تأکید قرار می‌دادند. این خصیصه‌های متنی که در ترجمه‌های پیشین دیده نمی‌شود، پاسخی به کلان‌بافت ایدئولوژیک عصر بود و نیز در سطح خردبافت ترجمه به تقویت و بازتولید این کلان‌بافت یاری می‌رساند.

منابع

- اربلی، ع (۶۷۸ ق). *کشف الغمّة فی معرفّة الأئمّة* (ترجمه المناقب)، ترجمه علی بن حسن زواره‌ای، نسخه خطی، شماره ۳۵۵ فیروز، کتابخانه مجلس.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۰۳ ق)، *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالرضاء.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی تشیع اثنی عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل دولت صفویه)، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، *میراث اسلامی ایران*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۷)، «استفتانات شاه سلطان حسین صفوی از آقا جمال خوانساری»، *مقالات و رسالات تاریخی*، ۵. صص ۷۶-۵۷.
- جمشیدنژاد اول، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «نگاهی به نوآوری‌های محمدباقر یزدی»، در: *علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون*، ویراسته مهدی محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، دانشگاه تهران، صص ۳۹۵-۴۰۹.
- حسینی خاتون آبادی، محمدباقر، (۱۳۷۴)، *ترجمه اناجیل اربعه*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: نشر نقطه.
- حسینی خاتون آبادی، محمدباقر، *ترجمه اناجیل اربعه*، نسخه خطی چاپ نشده، شماره ۳۳۶۶، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- روحانی، جواد، (۱۳۸۴)، «نجوم و منجمین در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری قمری در سرزمین‌های اسلامی»، در: *علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون*، ویراسته مهدی محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: دانشگاه تهران، صص ۳۷۱-۳۹۵.
- زواره‌ای، ع (بی تا)، *ترجمه الخواص*، نسخه خطی، شماره ۱۵۲۱۱، کتابخانه مجلس.
- سعیدی، مریم؛ معاذلهی، پروانه، (۱۳۹۶)، *سنت ترجمه در عصر ایلیخانان و تیموریان*، تهران: نشر قطره.
- سیوری، راجر (۱۳۹۱). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شرف‌الدین، احمد، (۱۳۸۴)، «تاریخ ریاضیات در ایران»، در: *علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون*، ویراسته م. محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: دانشگاه تهران، صص ۱-۱۱۱.

- صدیقی، غلامحسین، (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایرانی در قرنهای دوم و سوم هجری، تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، تهران: فردوس.
- طبرسی، حسن بن فضل، (بی‌تا)، مکارم‌الکرائم (ترجمه مکارم‌الاخلاق)، ترجمه علی بن حسن زواره‌ای، نسخه خطی، شماره ۱۰۵۷۶ فیروز، کتابخانه مجلس.
- طبرسی، حسن بن فضل، (بی‌تا). *عده السفر و عمده الحضر* (ترجمه کنوز النجاح و عده السفر و عمده الحضر)، ترجمه میر محمد باقر خاتون‌آبادی، نسخه خطی، شماره ۲/۹۱۶۸، کتابخانه مجلس.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد، (بی‌تا)، *ترجمه مفتاح الفلاح*، ترجمه محمدباقر خاتون‌آبادی، نسخه خطی، شماره ۵۹۸ س، کتابخانه مجلس.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد، (بی‌تا)، *مفتاح الفلاح*، ترجمه آقا جمال خوانساری، نسخه خطی، شماره ۵۹۸ س، کتابخانه مجلس.
- عقیقی‌بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۷۶)، *فقه‌های نامدار شیعه*، قم: نوید اسلام.
- فرشاد، مهدی، (۱۳۶۶)، *تاریخ علم در ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قزوینی، حاج بابا بن محمد اسماعیل، (بی‌تا)، *المشکول*، ترجمه محمدباقر خاتون‌آبادی، نسخه خطی، شماره ۵۲۸. کتابخانه مجلس.
- کرکی جبل‌عاملی، علی بن عبدالعالی، (بی‌تا). *الاربعون حدیثا*، ترجمه علی‌بن‌حسن زواره‌ای، نسخه خطی، شماره ۴۲۱۳/۳، کتابخانه مجلس.
- گلی‌زواره قمشه‌ای، غلامرضا (۱۳۷۰)، *تفسیر ترجمه الخواص، آینه پژوهش*، شماره (۹)، صص ۴۷-۳۹.
- محقق، مهدی، (۱۳۸۴)، «پیشگفتار»، در: *علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون*، ویراسته م. محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: دانشگاه تهران.
- محمدی‌ملایری، محمد، (۱۳۷۹)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران: انتشارات توس.
- محیط‌طباطبائی، محمد. (۱۳۶۷). *تطور حکومت در ایران بعد از اسلام*. تهران: بعثت.
- میرزایی، زهرا (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل‌بویه»، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۱۵، صص ۱۰۹-۱۲۷.
- ناث، رام؛ گل‌دزیهر، ایگناس، (۱۳۷۱)، *اسلام در ایران: شعوبیه*، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: مؤسسه نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران.

نوروزی، فرشید؛ عباس عابدی؛ رضا فرامرزنسب؛ مسلم احمدی (۱۳۸۹)، «دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی علویان طبرستان»، تاریخ نو، شماره ۲۷، صص ۸۶-۶۷.
ورامینی، محمد بن ابی زید، (بی تا)، لوامع الانوار فی معرفه الائمه الاطهار (ترجمه احسن الکبار فی مناقب ائمه اطهار)، ترجمه علی بن حسن زواره‌ای، نسخه خطی، شماره ۹۳۸۹، کتابخانه مجلس.

یزدی، محمدباقر، (بی تا)، عیون الحساب، ترجمه محمدباقر خاتون آبادی، نسخه خطی، شماره ۲۱۳۰. کتابخانه مجلس.

Anzali, A & Gerami, S. M. Hadi (2018), *Opposition to Philosophy in Safavid Iran Mulla Muhammad-Ṭāhir Qummi's Hikmat al-ʿArifin*, Leiden, Boston: Brill.

Baumgarten, S (2012), Ideology and translation, In Y. Gambier. L, Van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies (3)*, pp. 59-66, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Calzada Pérez, M (2014), Introduction, In M. Calzada Pérez, *Apropos of Ideology: Translation Studies on Ideology-Ideologies in Translation Studies*. pp. 1-23, New York: Routledge.

Lefevere, A (1992), *Translation, Rewriting, and the Manipulation of Literary Fame*, London: Routledge.

Roemer. R. H (1986), The Safavid Period. In P. Jackson (ed.), *Cambridge History of Iran vol.6, The Timurid and Safavid Periods*, pp. 189-351, Cambridge: Cambridge University Press.

Schaffner, C (2014), Third Ways and New Centers: Ideological Unity or Differences, In M. Calzada Pérez (ed.), *A propos Translation Studies on Ideology- Ideologies in Translation Studies*, pp. 23-43, New York: Routledge.

Thompson, J (1990), *Ideology and Modern Culture: Critical social theory in the era of mass communication*. Stanford, CA: Stanford University Press.

Turner, Colin (2000), *Islam without Allah: the Rise of Religious Externalism in Safavid Iran*. Surrey: Curzon Press Richmond.

Van Dijk, A. Teun (1998), *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. London: SAGE Publications

Venuti, L (1992), *Rethinking Translation: Discourse, Subjectivity, Ideology*, London: Routledge.

Winter. H. J. J (1986), Persian Science in Safavid Times, In P. Jackson (ed.), *Cambridge History of Iran vol 6, The Timurid and Safavid Periods*, pp. 581-610, Cambridge: Cambridge University Press.

List of Sources with English Handwriting:

- ‘Āmelī, (n.d). *Miftāh al-Falāh*, Translated by Mr. Jamāl k̄ānsārī. Manuscript. No. 598 Q. Majled library.
- ‘Āmelī, M., (n.d). Translation of *Miftāh al-Falāh*. Translated by Mīr Moḥammad Bāqer k̄ātūnābādī. Manuscript. No. 598 Q. Majles library.
- Anzali, A.& Gerami, S. M. Hadi. (2018). *Opposition to Philosophy in Safavid Iran Mulla Muḥammad-Ṭāhir Qummī’s Hikmat al-‘Ārifīn*. Leiden, Boston: Brill.
- Āqā Bozūrg-e Tehrānī, M, (1403 AH). *Al-Ḍarī‘ah Ila Taṣānīf al-šī‘a*. Beirut: Dar al-Redwā’.
- ‘Aqīqī Baḳšāyešī, A., (1376). Famous Shiite jurists. Qom: Navīd-e Eslam.
- Baumgarten, S. (2012). Ideology and translation. In Y. Gambier. L. Van Doorslaer (Eds.). *Handbook of Translation Studies (3)*. Pp. 59-66. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Calzada Pérez, M. (2014). Introduction. In M. Calzada Pérez. *Apropos of Ideology: Translation Studies on Ideology – Ideologies in Translation Studies*. pp. 1-23. New York: Routledge.
- Erbelī, (678 AH). *Kašf al-Ġoma fi Ma‘rifa al-A‘īma*(translation of al-Manāqīb). Translated by ‘Alī b. Ḥasan Zavāre‘ī. Manuscript. Number 355 Firouz. Ketābkān-e Majles.
- Faršād, M., (1366). *History of science in Iran*. Tehran: Amīr Kabīr Publishing House.
- Ḥosseīnī k̄ātūnābādī, M., (1374). Translation of the Four Gospels. Through the efforts of Rasūl Ja‘farīān. Tehran:Našr-e Noqte.
- Ḥosseīnī k̄ātūnābādī, M., Translation of the Four Gospels. Unpublished manuscript. No. 3366. Ayatollah Mar‘ašī Najafī library.
- Ja‘farīān, R, (2017). "Questions of Shah Sultan Hossein Safavi from Mr. Jamal Khansari". *Historical articles and treatises*. 5. pp. 57-76.
- Ja‘farīān, R., (1373). *Islamic heritage of Iran*. Qom: Mar‘ašī Public Library.
- Ja‘farīān, R., (1379). *Safavid in the field of religion, culture and politics*. Qom: Pažūheškade Dānešgāh va Ḥoze.
- jamšīdnežād, (1384). "A Look at the Innovations of Mohammad Baqer Yazdi", in: *Pure Sciences from the Beginning of the Safavid Period to the Establishment of Dār al-Fūnūn*, edited by Mohaqeq, Tehran: University of Tehran. pp. 395-409.
- Karakī Jabal ‘Āmelī, A., (Beta). *Al-Arba‘ūn hadīth*. Translated by ‘Alī b. Ḥasan Zavare‘ī. Manuscript. No. 3/4213 of the Majlis library
- Lefevere, A. (1992). *Translation, Rewriting, and the Manipulation of Literary Fame*. London: Routledge.
- Mīrzāeī, Zahrā. (2012). " Influential Factors in the Social, Cultural and Scientific Progress of the Shiites of Rey during Āl-e Buye Period.". *Cultural History Studies*. 15. pp. 109-127
- Moḥammadī-Malāyerī, M., (1379). *Iran's history and culture during the transition from the Sassanid era to the Islamic era*. Tehran: Tos Publications.
- Muhaqq, M., (2004). "Foreword", in: *Pure Sciences from the beginning of the Safavid era to the establishment of Dar al-Funun*, edited by M. Mohaqeq, Tehran: University of Tehran.
- Munday, J. (2008). *Style and Ideology in Translation Latin American Writing in English*. New York: Routledge.
- Nath, R.; Goldziher, A., (1371). *Islam in Iran: Shoubiyya*. Translated by Maḥmūdrezā Efteḳārzādeh. Tehran: Publishing Institute of Historical Heritage of Islam and Iran.

- Nowrozī, Faršīd; ‘Abedī, ‘Abbās; Farāmarz-nasab, Reżā; Aḥmadī, Moslem, (1389). "Political, cultural and social achievements of Alavis of Tabarestan". *New History*, 27, pp. 67-86.
- Qazvīnī, H., (Beta). *Al-Maškūl*, Translated by Moḥammad Bāqer kātūnabādī. Manuscript. No. 5528. Maḥled Library.
- Qomšē’ī Golāmreżā (1370). *Tarjama Tafsīr-e al-ḳavās*. *Research mirror*. (9) 2. pp. 39-47.
- Roemer. R. H. (1986). *The Safavid Period*. In P. Jackson (ed.). *Cambridge History of Iran vol.6, The Timurid and Safavid Periods*. pp. 189-351. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rouḥānī, J. (1384). "Astrologers and astronomers in the 10th to 13th centuries of the lunar calendar in Islamic lands", in: *Pure sciences from the beginning of the Safavid era to the establishment of Dar al-Funun*, edited by M. Moḥaqeq, Tehran: University of Tehran. pp. 371-395.
- Sa‘eedī, M.; Ma‘āzelāhī, P., (2016). *Tradition of translation in the age of Ilkhans and Timurids*. Tehran: Našr-e Qaṭre.
- Šafā, Z., (1364). *History of literature in Iran*. 5 Volume. Tehran: Ferdows.
- Šarafuddīn, A., (1384). "History of mathematics in Iran", in: *Pure sciences from the beginning of Safavid era to the establishment of Dār al-Fūnūn*, edited by M. Moḥaqeq, Tehran: University of Tehran. pp. 1-111.
- Saveri, R., (2011). *Iran under the Safavids*. Translated by Kāmbīz ‘Azīzī. Tehran: Našr-e Markazī.
- Schaffner, C. (2014). *Third Ways and New Centers: Ideological Unity or Differences*. In M. Calzada Pérez (ed.). *A propos Translation Studies on Ideology – Ideologies in Translation Studies*. Pp. 23-43. New York: Routledge.
- Šedīqī, (1372). *Iranian religious movements in the second and third centuries of Hijri*. Tehran: Pāžang Publishing Company.
- Ṭabarsī, Ḥ., (n.d). *Makārem al-Kara’im* (translation of Makārim al-Aḳlāq). Translated by ‘Alī b. Ḥasan Zavare’ī. Manuscript. Number 10576 Firouz. Parliament library.
- Ṭabarsī, Ḥ., (n.d). *‘Odah al-Safar va al-‘Omdata al-Ḥaḍar* Translated by Mīr Moḥammad Bāqer kātūnabādī. Manuscript. No. 2/9168. Maḥles library.
- Thompson, J. (1990). *Ideology and Modern Culture: Critical social theory in the era of mass communication*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Turkamān Aḍar, P., (2015). *The political history of Shiism in Iran (from the arrival of Muslims to Iran until the establishment of the Safavid government)*. Qom: Institute of Shia Studies.
- Turner, Colin. (2000). *Islam without Allah: the Rise of Religious Externalism in Safavid Iran*. Surrey: Curzon Press Richmond
- Van Dijk, A. Teun. (1998). *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. London: SAGE Publications
- Varāmīnī, A., (n.d). *Lawaamī‘ al-Anwār fī Ma‘rīfah al-A’īma al-Aṭahār* (translation of Aḥsan al-Kībbār fī Manaḳīb al-A’īma al-Aṭahār). Translated by ‘Alī b. Ḥasan Zavare’ī. Manuscript. Number 9389. Maḥles library.
- Venuti, L. (1992). *Rethinking Translation: Discourse, Subjectivity, Ideology*. London: Routledge.
- Winter. H. J. J. (1986). *Persian Science in Safavid Times*. In P. Jackson (ed.). *Cambridge History of Iran vol 6, The Timurid and Safavid Periods*. pp. 581-610. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yazdī, M. (Beta). *‘Oyūn al-Ḥisāb*. Translated by Moḥammad Bāqer kātūnabādī. Manuscript. No. 2130. Maḥles Library.
- Zavare’ī, A., (n.d). *Tarjama Al-ḳavās*. Manuscript. Number 15211. Maḥles library.